

مصونیت دیپلماتیک و کنسولی و قواعد حاکم بر آنها

محسن جلیلی پیرانی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

چکیده

از بخش‌های با اهمیت تشکیلات دیپلماتیک و روابط بین‌المللی، سفارت‌خانه‌ها و کنسولگری‌ها هستند این دو مورد را می‌توان ستونهای روابط دیپلماسی و کنسولگری حکومتها در خارج از پایتختشان به حساب آورد. سفارت نمایندگی دائم یا موقت یک کشور در کشور دیگر می‌باشد. گاهی اوقات محل اقامت سفیر یا نمایندگان دولت‌های خارجی در داخل سفارت آن کشور قرار دارد. کنسولها مانند دیپلمات‌ها، نماینده کشور خود در کشور دیگر هستند. ولی برخلاف دیپلماتها، حوزه فعالیت آنها مربوط به روابط سیاسی بین دو کشور نیست بلکه شامل امور غیر سیاسی: از جمله صدور گذرنامه و ویزا، مراقبت از منافع بازرگانی و کشتیرانی کشور خود و غیره است. کنسولگری‌ها علاوه بر پایتخت کشورها در شهرهای استان‌های کشورها نیز حضور دارند. بنابراین محل استقرار سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها در خاک کشور دیگری می‌باشد. به همین لحاظ است که گفته می‌شود نمایندگانی که از سوی یک کشور به کشور دیگری فرستاده می‌شود باید در امان بوده و از مصونیت برخوردار باشد تا بتواند بدون هیچگونه هراسی نسبت به اینکه مورد تجاوز و حمله قرار گیرد و موضوعاتی از این قبیل فعالیت خود را انجام دهد.

واژه‌های کلیدی: سفارت‌خانه، روابط سیاسی و کنسولی، خاک، سفیر و سرکنسولگر

مقدمه

از دیرباز دولت‌ها به دنبال این بودند که بتوانند روابط خود با همدیگر را گسترش دهند و به دنبال راه و چاره‌ای بودند تا بتوانند به این هدف خود دست یابند. بنابراین دولت‌ها به این نتیجه رسیدند که نمایندگانی از کشور خود به کشور دیگر بفرستند و با مستقر کردن آنها به همراه خانواده شان و کادر مورد نیاز در کشوری که قصد ارتباط با آن را داشتند زمینه این روابط را هموار سازند. به طور معمول دولت‌ها با فرستادن نمایندگان خود به دنبال اهدافی بودند که این اهداف از دو حالت خارج نبود. یا به دنبال این بودند که روابط سیاسی خود را گسترش دهند که در چنین حالتی هیئت دیپلماتیک را ارسال می‌کردند و هنگامی که درصدد گسترش روابط غیر سیاسی بودند کنسولها را به کشوری که قصد توسیع روابط خود با آن را داشتند می‌فرستادند.

اما برای اینکه این نمایندگان بتوانند فعالیت خود را به نحو احسن انجام دهند نیازند یکسری اقدامات توسط دولتها بود. به همین دلیل دولتها تصمیم گرفتند که سفارتخانه‌ها و کنسولگریها را برای استقرار نمایندگان تشکیل دهند تا نمایندگان ارسالی دیگر دغدغه مسکن و ماوا نداشته باشند. علاوه بر این دولتها نیز با همدیگر توافقاتی را انجام دادند تا نمایندگان ارسالی از هرگونه تعرض و تجاوز در امان باشند لذا مصونیتها را ایجاد نمودند. چنین توافقاتی که بین دولتها صورت گرفت در سال ۱۹۶۱ دروین منجر به انعقاد معاهده ۱۹۶۱ وین در خصوص روابط سیاسی شد. دوسال پس از انعقاد این عهدنامه یعنی در سال ۱۹۶۳ به دنبال تشکیل کنفرانسی از سوی سازمان ملل متحد در وین، کنوانسیون وین در خصوص روابط کنسولی را به وجود آوردند. اما مسئله از این قرار است که اگر چه کشورها با همدیگر توافق نموده اند که سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها و مصونیت‌ها را ایجاد کنند اما ایجاد موارد فوق باعث شد مسائل جدیدی به وجود آید از جمله اینکه آیا ایجاد موارد فوق در اصل سرزمینی که بر کشورها حاکم است تاثیری گذاشته است و سایر مسائل از این قبیل.

مادر این مقاله پس از اینکه شرح مختصری از صلاحیت سرزمینی و مستثنیات آن را اشاره نمودیم به دنبال این هستیم که توضیح دهیم اولاً سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها جز خاک کدام کشور محسوب می‌شوند. (کشور فرستنده یا پذیرنده) ثانیاً مطابق ماده ۳ قانون مجازات اسلامی دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به تمام جرایم در قلمرو ایران را دارند آیا این قاعده در خصوص هیئت دیپلماتیک و کنسولها نیز رعایت می‌شود. ثالثاً مصونیت از تعقیب کیفری شامل چه کسانی می‌شود.

هر دولتی حق دارد نسبت به جرایمی که علیه نظم عمومی، امنیت و استقلال و منافع حیاتی و اقتصادیش صورت می‌گیرد، اعمال صلاحیت کند. این اصل که به اصل صلاحیت حمایتی معروف است در غالب قوانین جزایی کشورها از جمله ایران، موجود است. توجه این گونه صلاحیت، شدت مخاطره و صدمه ای است که متوجه نظم عمومی و امنیت و منافع یک کشور می‌شود. باتوجه به این مطلب به بررسی صلاحیت می‌پردازیم.

صلاحیت

صلاحیت جنبه خاصی از حاکمیت است و حاکمیت عبارت است از توانایی عمومی حقوقی دولت. صلاحیت به قدرت دولت بر اشخاص، اموال و امور دلالت دارد. این قدرت ممکن است جنبه قانون گذاری بر افراد- اموال و امور داشته باشد و یا جنبه اجرایی مانند توقیف اشخاص و اموال و رسیدگی به دعاوی توسط محاکم (اکهرست، حقوق بین الملل نوین، صص ۲۷۶-۲۷۸).

باید بین اعمال قدرت اجرایی و اعمال قدرت قضایی (صلاحیت محاکم) تفکیک قائل شد: زیرا اگر در کشوری جرمی اتفاق بیفتد، نباید اصل سرزمینی بودن جرم، دادگاه کشور مربوط صالح برای رسیدگی به آن جرم است، ولی پلیس آن کشور نمی تواند مثلاً وارد خاک کشور همسایه شده مجرم را دستگیر و برای محاکمه به کشور خود بیاورد. بلکه در این امور باید از مقامات کشور همسایه تقاضای استرداد متهم را بنماید. اما صلاحیت در حقوق جزای بین الملل چنین تعریف می شود: شایستگی و قابلیت اعمال قوانین جزایی یک کشور در رسیدگی به جرایمی که در داخل یا خارج از کشور ارتکاب می یابد. بنابر این این تعریف دارای دو قسمت می باشد: قسمت اول که جرم در قلمرو حاکمیت یک کشور واقع شده است (صلاحیت سرزمینی) و قسمت دوم که قابلیت اعمال قوانین جزایی در مورد جرایم ارتكابی در خارج از قلمرو حاکمیت کشور می باشد. به طور کلی می توان بیان داشت که حقوق جزای بین الملل دارای دو هدف عمده می باشد:

- ۱- هیچ مجرمی بدون مجازات نماند.
- ۲- هیچ مجرمی دوباره مجازات نشود (پور بافرانی، ماهیت و انواع صلاحیت در حقوق جزای بین الملل، شماره ۱۲، ص ۱۷۴).

در خصوص صلاحیت ها باید اذعان داشت که علاوه بر صلاحیت سرزمینی در کشورها معمولاً صلاحیت های دیگری وجود دارد که صلاحیت سرزمینی را گسترش می دهد از جمله صلاحیت واقعی، شخصی و غیره. لذا از آنجا که موضوع مورد بحث ما صلاحیت سرزمینی است و به دنبال بررسی صلاحیت سرزمینی هستیم از توضیح دادن سایر صلاحیت ها خودداری می کنیم و صلاحیت سرزمینی را شرح می دهیم.

صلاحیت سرزمینی

مهمترین و اساسی ترین اصلی که در اجرای قوانین کیفری وجود دارد اصل صلاحیت سرزمینی است که تقریباً مورد قبول تمامی کشورها قرار گرفته است.

مهمترین توجیهات برای اصل صلاحیت سرزمینی عبارت اند از: ۱- عادلانه بودن - بدین معنا که محل ارتکاب جایی است که جرم آثار خود را بر جای گذاشته است، امارات و شهود به طور کامل در این محل وجود دارد و با اعمال این اصل هم از محو آثار جلوگیری می شود و هم هزینه های رسیدگی به حداقل

می‌رسد و با مراجعه مستقیم به شهود و بررسی ادله، اقناع وجدان قاضی نیز بهتر و دقیق‌تر حاصل می‌شود و در نتیجه حکم صادره به عدالت نزدیک‌تر است.

۲- سازگاری با اهداف مجازات‌ها- با اعمال اصل صلاحیت سرزمینی، می‌توان به تمامی اهداف مجازات‌ها از قبیل عبرت‌انگیزی، ارعاب، تشفی خاطر بازماندگان و پیشگیری از جرم دست یافت.

۳- اقتضای حاکمیت دولت- دولت به تنهایی مأمور حفظ نظم در درون مرزهای خود است و نقض اوامر و نواهی دولت، تجاوز به حاکمیت، اقتدار و اعتبار دولت است و مجازات نقض این اوامر و نواهی الزاما با همان دولت است (معتد، حقوق جزای عمومی، ص ۱۸۶).

اصل صلاحیت سرزمینی موجد اثر مهمی است که اهم آنها عبارت‌اند از: ۱- محاکم کیفری دولت در کیفر دادن به جرمی که در قلمرو آنها صورت می‌گیرد دخالت می‌کنند یعنی نسبت به تعقیب، محاکمه و مجازات مجرمان اقدام مقتضی انجام می‌دهند.

۲- در اجرای این اصل فقط قوانین داخلی قابل اعمال است.

۳- ملیت مجرم در تعقیب و محاکمه موثر نیست، به دیگر سخن هر کس مرتکب جرم شود مورد تعقیب قرار می‌گیرد، اعم از اینکه تبعه‌ی همان کشور باشد یا از اتباع خارجی.

۴- در صلاحیت سرزمینی به شرایط واقعه حقوقی که در خارج رخ داده است هیچ توجهی نمی‌شود، مثلا اگر مجرم پس از ارتکاب جرم به خارج گریخته و در آنجا مجازات شود یا برائت حاصل نماید برای محاکم داخلی حق محاکمه و مجازات مجدد محفوظ است و نیز در صورت محکومیت مجرم در خارج، حکم دادگاه خارجی در کشور قابل اعمال نیست.

منظور از قلمرو حاکمیت ایران وسعتی است که به مرزهای رسمی ایران محدود می‌شود اعم از مرز زمینی، دریایی یا فضای بالای آنها که دولت در آنها اعمال حاکمیت می‌کند. مرزهای هوایی کشور محدود می‌شود به پایین لایه جوی و مرز دریایی نیز محدود به مرزهای دریایی می‌شود و فراتر از مرزهای دریایی آبهای آزاد می‌باشد و بالای لایه جوی نیز جزء مرزهای هوایی کشور نمی‌باشد و در حکم آبهای آزاد می‌باشد، اعمال صلاحیت دولت بر اموال، اشخاص و امور واقعه در سرزمین خود، در حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته شده است. در بریتانیا صرف حضور فیزیکی شخص یا شئی در آن کشور برای جلب صلاحیت کفایت می‌کند، بدون اینکه نیازی به اقامت باشد. بنابراین به موجب اصل صلاحیت گذرا، چنانچه شخصی در حال عبور از سرزمین بریتانیا باشد، می‌توان با ابلاغ اوراق قضایی به او، وی را در دادگاه بریتانیا تحت محاکمه قرار داد. بسیاری از کشورها از جمله ایران نظریه سرزمینی صلاحیت کیفری را پذیرفته‌اند.

کشور محل جرم بیش از هر کشور دیگری برای رسیدگی به جرم صلاحیت دارد، نه تنها از حیث اینکه نظم اجتماعی او مختل شده بلکه از حیث جمع‌آوری ادله و مبارزه با جرم، اعم از اینکه جرم به وسیله اتباع داخلی یا بیگانگان ساکن یا مقیم در کشور ارتکاب شده باشد.

ماده ۳ قانون مجازات اسلامی اصل سرزمینی را پذیرفته است و اشعار می‌دارد: قوانین جزایی ایران درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد. پس از اینکه به شرح مختصری از صلاحیت سرزمینی پرداخته شده باید گفت همانطور که دولت‌ها به دنبال گسترش صلاحیت خود هستند از طرف دیگر مواردی وجود دارد که صلاحیت سرزمینی را مستثنی کرده و اعمال چنین صلاحیتی را معاف می‌دارد. در ذیل به شرح برخی از این استثنائات می‌پردازیم.

معافیت از صلاحیت سرزمینی

طبقات زیر دارای مصونیت از صلاحیت سرزمینی هستند:

الف: دولت‌ها و روسای دولت‌های خارجی

ب: نمایندگان سیاسی و کنسول‌های دولتهای خارجی

ج: کشتی‌های دولتی کشورهای خارجی

د: نیروهای مسلح دولت‌های خارجی

مصونیت دیپلماتیک یا کنسولی مهمترین استثناء در قبال صلاحیت سرزمینی است، بدین معنا که نمایندگان دولت خارجی از اعمال قانون داخلی کشور پذیرنده مصونیت دارند. از این رو این نوع مصونیت ضمن در بر گرفتن مصونیت دولت با فرد حاکم طیف وسیعی از موضوعات را پوشش می‌دهد (سهرابی، ۱۳۸۳، ص ۸۶). همانطور که در بالا ذکر شده مهمترین استثناء بر صلاحیت سرزمینی مصونیت می‌باشد لذا ضروری است که این موضوع به صورت مختصر شرح داده شود.

در خصوص مصونیت باید گفت که مصونیت از قرن‌ها پیش در میان مردم وادیان به خصوص دین اسلام وجود داشت و نمایندگانی که به عنوان سفیر به کشورهای دیگر می‌فرستادند علاوه بر این که از وظایفی را برعهده داشتند از آنها نیز مراقبت می‌کردند. به عنوان مثال یکی از نهادهای حقوق اسلامی امان یا زنهار یا افسار است. این تاسیس حقوقی در واقع معاهده مامونیت و مصونیت بیگانگانی است که قصدشان عبور از کشور اسلامی یا اقامت در آنجا بوده. بنابراین امان از سویی جواز عبور اقامت موقت در کشور اسلامی بوده (همان ویزا و رواید امروزی) و از سویی دیگر درخواست پناهندگی است.

بنابراین از مطالب فوق به دست می‌آید که افراد از قدیم الایام باهمدیگر روابطی را اگر چه به شکل امروزی نبوده اما داشته‌اند لذا برای اینکه نمایندگان در امان باشند راه حلی را هم ارائه کردند. پس مشخص می‌گردد مصونیت سابقه تاریخی دارد و به مرور زمان احکام و مقررات آن به شکل امروزی ایجاد گردیده است.

مبنای مصونیت

منطق مصونیت یا به عبارت دیگر مبانی حقوقی، اهداف و علت وجودی مصونیت چیست؟

در این باره سه نظریه مطرح است:

۱. **نظریه برون مرزی:** برخی از حقوق دانان از جمله گرسیوس، معتقدند که برخورداری ماموران دیپلماتیک از مصونیتها و مزایای دیپلماتیک بر قاعده برون مرزی استوار است. به موجب این نظریه ماموران دیپلماتیک در طول مدت ماموریت مانند افرادی هستند که کشور خود را ترک نکرده و در خارج از قلمرو کشور پذیرنده حضور دارند و وظایف خود را در آنجا انجام می دهند. اماکن ماموریت نیز همین وضعیت را دارند و جزئی از قلمرو کشور فرستنده به شمار می آیند. این نظریه که مدتها در دکترین حقوق بین الملل مورد قبول بوده به تدریج مورد انتقادات شدیدی قرار گرفت. پرفسور لویی کاواریه نظریه ی برون مرزی را تصویری واهی بیش ندانسته و معتقد است که در صورت قبول این نظریه، بایستی این قاعده را نیز بپذیریم که تشریفات استرداد برای تحویل مجرم فراری در سفارت که در این نظریه قلمرو خارجی تلقی می شود ضروری به نظر می رسد، در حالی که عملاً این طور نیست و تنها اجازه ی ساده رئیس ماموریت کافی است. کاواریه همچنین اعتقاد دارد که قاعده برون مرزی به نتایج و آثاری مبهم، (مانند تولد در سفارت به منزله تولد در خارج از کشور و محل سفارت است) و یا خطرناکی منتهی می شود (مانند جنایتکاری که به سفارت فرار کرده مانند کسی است که به یک کشور خارجی پناهنده شده است در صورتی که این نوع پناهندگی غیر قابل قبول است)!

سرانجام نمی توان پذیرفت که در صورت وقوع جرم یا جنایت در داخل منزل مامور یا در محل سفارت، قوانین و مقررات کشور متبوع مامور، حاکم بر رفتار مجرم باشد. زیرا در آن صورت مقام صلاحیت دار برای رسیدگی به این جرم نیز دادگاههای آن کشور است در حالی که تنها مقام صلاحیت دار قضایی برای رسیدگی به جرایم ارتكابی در محل سکونت یا در محل کار ماموران، دادگاههای کشور محل ماموریت است.

۲- **نظریه نمایندگی:** دومین نظریه بر ویژگی نمایندگی ماموران دیپلماتیک و کنسولی استوار است. طبق این نظریه از آنجا که ماموران کشور فرستنده، نمایندگان آن کشور نزد کشور پذیرنده هستند، لذا از همان

۱- در خصوص مسأله پناهندگی در یک سفارت و مصونیت سفارتخانه ها دو صورت قابل تصور است الف: شخص پناهنده مرتکب جرم عمومی شده است که در این حالت مقامات سفارت یا او را به پلیس محلی تحویل داده و یا به پلیس محلی اجازه می دهند تا به داخل سفارت آمده و مجرم را دستگیر کنند. ب: شخص پناهنده مرتکب جرم سیاسی شده است که در این جا گروهی ورود به داخل سفارت را در مواقعی که اعمالی غیر از اعمال مربوط به وظایف دیپلماتیک انجام می شود درست می دانند و برخی مخالف آن هستند. دیوان بین المللی دادگستری در قضیه ی هابا دو لائوره میان کلمبیا و پرو اعلام می دارد که کسی که به عنوان پناهنده در سفارت خانه ای پناه می گیرد در واقع در سرزمین کشوری است که او در آنجا مرتکب جرم شده و اعطای پناهندگی دخالتی است در امور داخلی کشور پذیرنده، چرا که چنین عملی، مامورین قضایی را از رسیدگی به اقدام ارتكابی مجرم باز می دارد.

مصونیت‌ها و مزایای کشورها نیز برخوردارند. مقدمه عهدنامه ۱۹۶۱ وین و ماده ۳ همین عهدنامه، که به موجب آن یکی از وظایف ماموران دیپلماتیک را نمایندگی کشور فرستنده نزد دولت پذیرنده عنوان می‌کند مبتنی بر نظریه نمایندگی است.

۳- نظریه مصلحت یا منفعت خدمت: نظریه مصلحت یا منفعت خدمت دارای مفاهیم عملی نوینی است. به موجب این نظریه، برای اینکه ماموران دیپلماتیک در کشور محل ماموریت در شرایط خوب و با استقلال کامل انجام وظیفه کنند، باید در حد وسیعی از آزادی عمل برخوردار باشند و این بهره‌مندی تنها با برخورداری از مصونیتها و مزایای دیپلماتیک به دست می‌آید. طبق این نظریه مصونیت‌ها و مزایای دیپلماتیک تنها بر ضرورت‌های مستقل اجتماعی خدمت دیپلماتیک، به ویژه بر مصلحت یا منفعت خدمت استوار است. در این نظریه، راه محدود کردن مصونیتها و مزایا هموار می‌گردد و از این طریق، میان نیازهای کشور فرستنده و حقوقی کشور پذیرنده موازنه‌ای برقرار می‌شود. پیشرو نظریه مصلحت یا منفعت خدمت را می‌توان بینکر شوک هلندی دانست.

بنابراین در خصوص مبنای مصونیت نظریه‌های مختلفی توسط حقوق دانان با استدلال‌های متفاوتی ارائه شده است. اما باید گفت که رویه بین‌المللی، پیرو اختلاط نظریات نمایندگی و مصلحت خدمت است و عهدنامه ۱۹۶۱ وین نیز به نوعی، همین دو نظریه را مبنای مصونیت‌ها و مزایای دیپلماتیک قرار داده است به گونه‌ای که در مقدمه این عهدنامه آمده است، منظور از مصونیتها و مزایای دیپلماتیک، بهره‌مند ساختن افراد نیست، بلکه هدف تأمین اجرای موثر وظایف هیات‌های دیپلماتیک به عنوان نمایندگی کشورهاست. همچنین در عهدنامه ۱۹۶۳ وین در خصوص روابط کنسولی نیز همین نظریه‌های اخیر پذیرفته شده است و مبنای مصونیت بر طبق نظریه‌های نمایندگی و مصلحت خدمت قرار داده‌اند.

مصونیت کیفری ماموران دیپلماتیک

چنانچه ماموران دیپلماتیک در کشور پذیرنده مرتکب اعمالی گردند یا از انجام اعمالی خودداری ورزند که طبق قوانین داخلی آن کشور، جرم محسوب شود، آنان از هرگونه تعقیب، بازداشت، بازجویی، بازپرسی و بالاخره محاکمه معاف‌اند. در مورد جرایم خلافی رانندگی ماموران دیپلماتیک، بین کشورها اتفاق نظر وجود ندارد و هر یک به نوعی عهدنامه ۱۹۶۱ وین را تعبیر و تفسیر کرده‌اند. برای مثال، وزارت امور خارجه آمریکا معتقد است که مصونیت کیفری مندرج در عهدنامه ۱۹۶۱، جرایم خلافی رانندگی را در بر نمی‌گیرد و ماموران پلیس ایالات متحده می‌توانند بار ارسال برگ جرمه مامور دیپلماتیک را به دادگاه خلاف احضار نمایند. ضمناً وزارت امور خارجه آمریکا این حق را نیز برای خود محفوظ می‌دارد که پلاک دیپلماتیک اتومبیل ماموری را که عنصر نامطلوب شناخته شده است بردارد.

دیپلماتها، علاوه بر مصونیت از صلاحیت دادگاهها، دارای مصونیت‌ها و امتیازات دیگری نیز هستند بنابراین ساختمان هیئت نمایندگی و اقامتگاه خصوصی دیپلماتیک از هرگونه تعرض مصون می‌باشند و ماموران

کشور میزبان مجاز نیستند بدون اجازه کشور فرستنده وارد محل‌های فوق شوند و باید اقدامات لازم را برای جلوگیری از صدمه زدن به آنها، اتخاذ کنند. از سوی دیگر ساختمان‌های هیات‌های دیپلماتیک جنبه برون مرزی ندارند و اعمالی که در آنجا صورت می‌گیرد در قلمرو دولت پذیرنده اتفاق می‌افتد نه در قلمرو دولت فرستنده و مجرمینی که در ساختمان هیئت دیپلماتیک پناه می‌گیرند، باید به پلیس دولت میزبان تسلیم گردند. همچنین کشور فرستنده، مجاز نیست افراد را در ساختمان‌های هیئت دیپلماتیک بازداشت و زندانی کند (مقتدر، حقوق بین الملل عمومی، ۱۳۷۲، ص ۹۹).

از آنجا که مصونیت به معنی عدم مسئولیت نیست بنابراین، مصونیت قضایی مأموران دیپلماتیک در کشور پذیرنده آنان را از تعقیب قضایی کشور فرستنده معاف نخواهد داشت (بند ۳ ماده ۳۱ عهدنامه ۱۹۶۱ وین) این رو، بسیاری از کشورها در قوانین داخلی، موضوع تعقیب مأموران دیپلماتیک خود را پیش‌بینی کرده‌اند. بنابراین به نظر نمی‌رسد که کشور فرستنده از آزادی عمل در قبال مأموران خود برخوردار باشد، تا جایی که بتواند حتی آنها را از تعقیب معاف دارد. بنابراین در صورت ارتکاب جرم توسط مأموران سیاسی به هیچ وجه نمی‌توان با آنها برخورد کیفری و قضایی انجام داد و دولت پذیرنده تنها می‌تواند آنها را به عنوان عنصر نامطلوب اعلام کرده و از قلمرو جغرافیایی کشور اخراج نماید.

مطابق مواد ۲۲ و ۳۰ کنوانسیون ۱۹۶۱ و کنوانسیونهای مشابه، اتومبیل‌های متعلق به مأموریت و نیز مأموران دیپلماتیک از توقیف و بازرسی مصون است. موارد سوء استفاده مأموران دیپلماتیک از پلاک شخصی اتومبیل خود بسیار است. مثلاً در نقاط ممنوعه و پارک ممنوع به علائم راهنمایی و رانندگی توجه چندانی نشان نمی‌دهند؛ زیرا می‌دانند عمل آنان جریمه و مجازاتی ندارد و این جریمه‌ها بایگانی و یا احیاناً جهت اطلاع به دفتر نمایندگی ارسال می‌شود. تخلفات رانندگی از این قبیل در کشورهایی نظیر سوئیس و آمریکا که در آنها معضل ترافیک وجود دارد بیشتر است. البته استفاده از اتومبیل، از مرحله تخلفات رانندگی فراتر رفته و از آن برای حمل کالاهای غیر قانونی و حتی اسلحه و یا فراری دادن برخی افراد استفاده شده است. در ژانویه سال ۱۹۹۷ سفیر ژنر در شهر مانتون (Menton) جنوب فرانسه، در حین رانندگی با سرعت زیاد با دو جوان تصادف کرد که منجر به مرگ آنان شد. سفیر به دلیل برخورداری از مصونیت مورد تعقیب و توقیف قرار نگرفت ولی دولت ژنر او را فراخواند. اما مطبوعات فرانسه حملات خود را به دولت ژنر آغاز کردند و رئیس جمهور ژنر تحت فشار افکار عمومی فرانسه و مطبوعات از مصونیت سفیر صرف نظر نمود و سفیر نیز به فرانسه بازگشت تا خود را در اختیار مقامات قضایی فرانسه قرار دهد. بدیهی است واگذاری مجنی علیه به حال خود به استناد مصونیت، ناعادلانه، خلاف حقوق بشر و تضییع حقوق زیان دیده به شمار می‌رود. از سوی دیگر نمی‌توان جبران خسارت مناسب از سوی دولت فرستنده را در کاهش بدبینی افکار عمومی نادیده گرفت.

در مورد حوادث رانندگی، اقدامات شدیدی به عمل آمده است. بیمه های اجباری که ضررهای ناشی از آن تماماً قابل پرداخت باشد، توقف و ضبط گواهینامه رانندگی، اخراج و انتقال در صورت تکرار تخلف و ارتکاب خلافهای مهم نظیر رانندگی در حین مستی، برخی از این اقدامات می باشند. در کشور سوئیس تا مالک اتومبیل از جمله اعضای مأموریت، تحت پوشش بیمه شخص ثالث قرارنگیرند، به آنان گواهی رانندگی یا پلاک ماشین واگذار نمی شود. به همین خاطر است که مطابق ماده ۷۸ کنوانسیون ۱۹۷۵ برخلاف کنوانسیونهای سابق برخورد، دارا بودن بیمه شخص ثالث به هنگام استفاده از وسایل نقلیه، اجباری است.

مصونیت کیفری ماموران کنسولی

کنوانسیون ۱۹۶۳ وین در خصوص روابط کنسولی، تا حد زیادی وضع کنسولها را شبیه وضع دیپلماتها قرار داده است این امر نباید موجب شگفتی شود چون دولت ها به طور روز افزون خدمات سیاسی و کنسولی را ادغام می کنند. افرادی که در آن واحد هم به عنوان دیپلماتیک و هم کنسول عمل می کنند، دارای مصونیت دیپلماتیک می باشند. کنسولهایی که به عنوان دیپلمات عمل نمی کنند از بسیاری از مصونیت ها و امتیازات دیپلماتها برخوردار هستند. ولی فقط در رابطه با اعمال رسمی از صلاحیت مدنی یا کیفری دولت پذیرنده مصون می باشند. بنابراین ماموران کنسولی برخلاف ماموران دیپلماتیک به طور کلی در خصوص تعقیب کیفری مصون نیستند بلکه اگر در عمل رسمی خود دچار عمل مجرمانه ای شدند از مصونیت برخوردار نمی باشند. در غیر این صورت تحت تعقیب دولت پذیرنده قرار می گیرند. در ضمن این مصونیت جرایم مشهود و مهم را در بر نمی گیرد. (مواد ۴۱، ۴۲ و ۴۳ عهدنامه ۱۹۶۳ وین)

سوء استفاده اعضای خانواده نمایندگان سیاسی از مصونیت

هیچ یک از کنوانسیونهای حقوق دیپلماتیک، تعریفی از «خانواده» ارائه نکرده اند. کمیسیون حقوق بین الملل و کنفرانس ۱۹۶۱ نیز نتوانستند بر تعریف قابل قبولی دست یابند؛ زیرا خانواده، در واقع به وضعیت و موقعیت یک شخص بستگی دارد. ولی بطور معمول به کسانی که در خانه عضو نمایندگی زندگی می کنند، اعضای خانواده اطلاق می شود. در روابط میان دولتها در خصوص مصونیت های همسر رئیس مأموریت یک اتفاق نظر بین المللی وجود دارد؛ بلکه رعایت آن از قواعد حقوق بین الملل عرفی به شمار می آید. همسر رئیس مأموریت از همان مصونیتها و مزایای زوج خود برخوردار است؛ اما نسبت به همسران سایر مأموران سیاسی، وحدت رویه وجود ندارد. در مورد فرزندان رئیس مأموریت، قاعده کلی آن است که از همان مصونیت مدنی و جزائی پدر برخوردارند؛ ولی در مورد سایر اعضای مأموریت و فرزندان آنان با قاعده ثابت بین المللی روبه رو نیستیم.

قاضی افنسن می‌گوید: سلامتی خانواده یک شخص، از حقوق اساسی هر انسان است که نه فقط حقوق بین الملل عرفی و قراردادی از آن حمایت می‌کند بلکه اصول کلی حقوق که مورد قبول ملل متمدن جهان است نیز مؤید آن است و احترام به خانواده جزء مکمل مصونیتها و مزایایی است که لازمه انجام وظایف به نحو اطمینان بخش است. به هر روی با آنکه اعضای خانواده رئیس مأموریت و کارمندان دیپلماتیک، وظیفه ای در مأموریت ندارند، لکن از مصونیتهایی چون مصونیت شخصی، مصونیت محل اقامت و اموال و مصونیت قضایی، برخوردارند.

تجاوز به عنف پسر یکی از دیپلماتهای عربستان سعودی در ویرجینیا نسبت به دختری شانزده ساله از نمونه‌های جرایم ارتكابی وابستگان مأموران دیپلماتیک است. پیشتر نیز اشاره شد که در گزارشی از ۱۴۷ جرم صورت گرفته متعلق به سالهای ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۸، ۳۰ مورد توسط خود دیپلماتها، ۶۰ مورد از سوی وابستگان آنها و ۵۷ مورد توسط سایر اعضای مأموریت دیپلماتیک صورت گرفته است.

ضمانت اجرای سوء استفاده از مصونیتها

سوء استفاده از مصونیت را باید یک استثنا در اعطای مصونیت به حساب آورد. لیک گسترش آن نگرانیهایی را در سطح داخلی و بین المللی به وجود آورده است. سوء استفاده ها خشم عمومی بسیاری از مردم را در پی داشته و این پرسش را مطرح ساخته که چرا برخی از انسانها با ارتكاب جرم و جنایت، مصون از تعقیب باشند و دادگاهها نتوانند در مورد آنان اقداماتی به عمل آورند و این با جامعه دموکراتیک ناسازگار است. ماز سوی دیگر به نظر می‌رسد مصونیت دیپلماتیک با عدالت و با بین المللی شدن حقوق بشر نیز در تعارض قرار گیرد.

چه کسانی از مصونیت کیفری برخوردار هستند

علاوه بر مأموران سیاسی^۱ افراد ذیل نیز از مصونیت تعقیب جزایی برخوردارند:

۱. بستگان مأمور سیاسی که اهل خانه او هستند به شرط آنکه تبعه کشور پذیرنده نباشند. (بند ۱ ماده ۳۷ عهدنامه ۱۹۶۱ وین)
۲. کارمندان اداری و فنی مأموریت و همچنین بستگان آنها که اهل خانه آنها هستند به شرط آنکه تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم در آن کشور نباشند. (بند ۲ ماده ۳۷ عهدنامه ۱۹۶۱ وین)
۳. خدمه مأموریت به شرطی که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن کشور نباشند نسبت به اعمال ناشی از ادای وظیفه خود. (بند ۳ ماده ۳۷ عهدنامه ۱۹۶۱ وین)

۱. مأموران سیاسی شامل آن دسته از کارمندان مأموریت می‌شود که سمت سیاسی (دیپلماتیک) دارند. (بند ۱ ماده ۱ عهدنامه ۱۹۶۱ وین)

۴. خدمتکاران شخصی اعضای ماموریت که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم آن کشور نیستند، نمی‌توانند از مصونیت جزایی استفاده کنند مگر اینکه کشور پذیرنده مزایا و مصونیهایی برای آنها قائل شود. (بند ۴ ماده ۳۷ عهدنامه ۱۹۶۱ وین)

۵. ماموران کنسولی. (عهدنامه ۱۹۶۳ وین)

البته باید توجه داشت که ماموران سیاسی در صورتی از مصونیت کیفری برخوردارند که تبعه کشور پذیرنده یا مقیم دائم آن کشور نباشند که در غیر این صورت، فقط در مورد اعمال رسمی مربوط به وظایف خود از مصونیت قضایی و مصونیت از تعرض بهره‌مند خواهند بود. (بند ۱ ماده ۳۸ عهدنامه ۱۹۶۱ وین)

پس از اینکه توضیحات کامل در خصوص صلاحیت سرزمینی و مصونیت‌های کیفری ماموران دیپلماتیک و کنسولی و اماکن آنها داده شده است اکنون به طرح دو مسئله می‌پردازیم و با توجه به مطالب ذکر شده به دنبال ارائه پاسخ آنها می‌باشیم. اعطای مصونیت به نمایندگان دول به هدف تأمین اطمینان آنان در اجرای وظایف است و هدف، منتفع ساختن شخص آنان نیست. مصونیت به اعتبار مقام فرستنده برای آنان در نظر گرفته می‌شود. پاسداشت چنین امتیازی نشان از شخصیت و کرامت فرستنده داشته و هر گونه سوء استفاده از آن نیز لطمه به اعتبار مقامی است که او را به مأموریت برون مرزی فرستاده است. تعهدات متقابل دولتهای فرستنده و پذیرنده:

روابط دیپلماتیک میان دولتها بر اساس رضایت متقابل، تأسیس و برقرار می‌گردد. وجود چنین رابطه‌ای نشان از دوستی و علاقه‌مندی طرفین به توسعه و تحکیم روابط بین دو دولت و ملت دارد. مهم‌ترین نقش را در این باره نمایندگان سیاسی دو کشور ایفا می‌نمایند. آنان به طور رسمی نمایندگان دولت متبوع اند؛ ولی در واقع نمایندگان فرهنگ، ایده، آداب و رسوم سرزمین خویشند. چنانچه دولتی نماینده‌ای به یک سرزمین می‌فرستد، در مقابل، نماینده‌ای نیز می‌پذیرد. در هر نمایندگی، طرفین رابطه، دولت فرستنده (sending state) و دولت پذیرنده (receiving state) می‌باشند و در نمایندگی نزد سازمانهای بین‌المللی علاوه بر مقام فرستنده و پذیرنده دولت میزبان، سازمان بین‌المللی (host state) نیز وجود دارد که یک رابطه دیپلماتیک سه جانبه شکل می‌گیرد.

بی تردید رعایت و انجام تعهدات پیش‌بینی شده توسط دولتهای میزبان و فرستنده، آنها را در وصول به اهداف و مقاصد مشترک در روابط دو جانبه و نیل به همکاری‌های مشترک و فعال در زمینه دیپلماسی چند جانبه مساعدت خواهد نمود. نمایندگان دولت فرستنده در صورتی که دولت پذیرنده به تعهدات خود عمل نماید، خواهند توانست به طور مستقل و مطمئن به انجام وظایف بپردازند. در نقطه مقابل، رعایت قوانین و مقررات دولت پذیرنده و عدم مداخله در امور داخلی از سوی اعضای نمایندگی در روابط دو جانبه از تیرگی و بحران روابط جلوگیری خواهد کرد و در دیپلماسی چند جانبه فعالیتهای آنان را با محدودیتها و تضییقات دولت میزبان مواجه نخواهد ساخت.

دیوان بین المللی دادگستری در قضیه کارکنان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده در تهران، می گوید: «مقررات و قواعد حقوق دیپلماتیک، در بردارنده رژیم است که از یک سو تعهدات دولت پذیرنده را در مورد تسهیلات، مزایا و مصونیتها معین می نماید و از سوی دیگر پیش بینی های ممکن را برای مقابله با هر گونه سوء استفاده اعضای مأموریت در اختیار دولت پذیرنده قرار می دهد» (۴۰) بنابراین بین تعهدات و وظایف دولتمیز پذیرنده و فرستنده، توازن برقرار می گردد. چنانچه دولت پذیرنده متعهد به اعطای مصونیت است، دولت فرستنده نیز در مقابل موظف است قوانین و مقررات دولت پذیرنده و میزبان را رعایت نموده، از مداخله در امور داخلی آن پرهیز کند. دولت فرستنده در برابر رفتار و اعمال نمایندگان خود مسؤولیت دارد و حقوق بین الملل، این دولت را در موضع مسؤولیت نسبت به تمام اعمال نمایندگان خود که موجب ایراد ضرر به دولت میزبان یا اتباع او گردند، قرار می دهد.

در میان رفتارهای نمایندگان در کشور میزبان، دو اصل بیش از همه مورد توجه قرار گرفته و در کلیه اسناد حقوق دیپلماتیک تکرار شده اند که عبارت اند از: اصل عدم مداخله و اصل احترام به قوانین و مقررات دولت میزبان. (۳) الف - اصل عدم مداخله: عدم مداخله در امور داخلی یک دولت، از اصول مسلم حقوق بین الملل و انعکاسی از اصل حاکمیت و برابری دولتهاست. هیچ دولتی بدون آنکه خود بخواهد، مداخله در امور داخلی خود را اجازه نمی دهد. نویسندگان حقوق بین الملل به تفصیل در مورد اصل عدم مداخله، قلم فرسایی کرده اند. ولی به عدم مداخله نمایندگان دول که یکی از مصادیق اصل است به ندرت پرداخته اند. جانبداری از احزاب و گروه های سیاسی، نشر و توزیع مطبوعات مخالف، اتخاذ موضع در انتخابات، مشارکت در گردهماییها، انتقاد از سیاست داخلی و خارجی دولت میزبان و هر گونه اقدامی که نادیده گرفتن اصل حاکمیت تلقی گردد، از جمله موارد مداخله به حساب می آید.

اصل عدم مداخله نمایندگان دولتها، یک رویه عرفی و مقبول است. ولی از آنجا که امور داخلی کشورها تأثیر مهم و روزافزونی بر سیاست خارجی دارد، در موارد بی شماری این اصل با نیرنگ نادیده گرفته می شود، کمکهای مالی یا اقتصادی، یکی از انواع آن نیرنگهاست. دیپلماتهای کشورهای غربی و اروپایی با برانگیختن بی نظمی های داخلی، کمک به دسته های سیاسی خرابکار، انتشار تبلیغات پنهانی، آموزش نیروهای امنیتی و گاه شکنجه گران برای سرکوب شهروندان ناراضی، سابقه چشمگیری در مداخله در امور داخلی دیگر کشورها دارند. مداخله ۲۵ ساله امریکا در امور داخلی ایران، نمونه بارز نادیده گرفتن اصل عدم مداخله نمایندگان دولتها در امور داخلی کشورهاست. در قضیه سفارتخانه امریکا در تهران و شکایت دولت امریکا به دیوان، وزارت خارجه وقت ایران طی یادداشتی به دیوان از جمله اظهار داشت: در رسیدگی به این قضیه مداخله ۲۵ ساله دولت امریکا در ایران را نیز باید مدنظر قرار داد. موضوع دیگر در ارتباط با عدم مداخله، مرز بین مداخله و جاسوسی است. این موضوع چنان پیچیده است که دیوان بین المللی دادگستری در رأی ۱۹۸۰ خود در قضیه سفارتخانه ایالات متحده در تهران تشخیص بین جاسوسی و مداخله در امور داخلی را در عمل مشکل دانسته است. رعایت مصالح و امنیت دولت پذیرنده و حفظ نظام

حقوقی آن یک اصل خدشه ناپذیر و مقدم بر اصل مصونیت نمایندگان دول است. مطابق رویه قضایی کانادا؛ «هرگاه رفتار دیپلماتها، وضعیت امنیتی دولت پذیرنده را به مخاطره افکند، مصونیت آنان در برابر مصلحت اهم ساقط خواهد شد» (ابوالوفا: ۱۴۷؛ صدر: ۹۶) اصل حاکمیت، محوری ترین اصل از حقوق اساسی دولتهاست و چنانچه دولتی با اعطای مصونیتها محدودیتهایی را بر حاکمیت خود می پذیرد، عدم تعارض با عناصر اساسی حاکمیت را نیز رعایت خواهد نمود. ب - اصل احترام به قوانین و مقررات دولت پذیرنده:

دیپلماتها به هدف نمایندگی از کشور متبوع خود و حفظ منافع این کشور و اتباع آن و نیز برای بسط روابط دوستانه و توسعه روابط فرهنگی، علمی و اقتصادی بین دو کشور فرستاده و پذیرنده، به آنجا اعزام می شوند. آنان متعهد به رعایت قوانین و مقررات دولت پذیرنده اند. (ماده ۴۱ همان کنوانسیون). دیوان بین المللی دادگستری در قضیه «هایادولاتوره» (۱۹۵۱) تصریح کرده است: بر نماینده سیاسی لازم است قوانین دولت پذیرنده را محترم بشمارد. احترام به قوانین و مقررات دولت پذیرنده، لازمه منطقی اعطای مصونیتهاست و در سایه آن، امنیت و مصالح دولت پذیرنده تأمین می گردد. مصادیق احترام به قوانین و مقررات، متعدد و غیر قابل احصاست. ولی مهم ترین آنها عبارتند از: احترام به مقررات بهداشت عمومی، دریافت پروانه رانندگی و رعایت مقررات مربوط به آن، عدم استفاده از اماکن مأموریت به نحوی که مغایر با وظایف باشد، احترام به مقررات مربوط به استفاده از مؤسسات عمومی و وسایل ارتباطی، عدم فعالیت‌های تجاری و حرفه ای و غیره. بی اعتنایی به مقررات دولت پذیرنده در پناه مصونیت، روشن ترین تعریف سوء استفاده از مصونیت است. مصونیت نمایندگان دول در واقع اعطای اطمینان به آنان است، تا بدون مانع به انجام وظایف خود بپردازند.

نیک روشن است که سوء استفاده از مصونیتها نه تنها در تعارض آشکار با اهداف دیپلماتیک قرار می گیرد، بلکه بسا برهم زدن نظم داخلی و بین المللی را نیز به همراه داشته باشد. از نخستین پی آمدهای منفی چنین رفتارهایی محدود نمودن مصونیتهای مقرر خواهد بود. هم اکنون این بحث در سطح بین المللی و با سابقه بیشتر در داخل کشورها مطرح است که چرا برخی افراد در سطح بین المللی و داخلی در برابر جرایم ارتكابی، مسؤول شناخته نمی شوند؟ آیا این با حقوق بشر جهانی در تعارض نیست؟ برخی نیز این وضعیت و سؤال را با بیانی انتقادآمیز مطرح نموده و می گویند: مصونیت دیپلماتیک، خیلی چیزها را تحت پوشش قرار می دهد، اما نه عدم پرداخت ۴۰۰ هزار دلار اجاره بهای منزلی که هیئت نمایندگی ژنر در محله گران قیمت نیویورک اجاره کند و تحت پوشش دیپلماتیک از پرداخت آن سرباز زند. دادگاه، موجر را محق می داند؛ ولی به دلیل مصونیت اماکن مأموریت، هر گونه اقدام اجرایی را غیر ممکن می داند. هیأت نمایندگی مزبور نیز نه اجاره بها می پردازد و نه محل مورد اجاره را تخلیه می نماید. چه کسی مسئول جبران خسارتهای وارده به موجر است؟ آیا آنگونه که حقوق بین الملل از مصونیت دیپلماتیک حمایت می کند، دولتها نیز همانگونه از شهروندان خود حمایت می کنند؟ جرایم ارتكابی از سوی دارندگان مصونیت،

منحصر در معضل اجاره بها نیست. جرایم این دسته، از تخلفات رانندگی گرفته تا قاچاق دارو، قتل و جرایم جنسی را در بر می گیرد. البته بسیاری از حوادث دیپلماتیک ممکن است از دید عموم مخفی بماند؛ زیرا انتشار آن، به روابط دیپلماتیک طرفین لطمه خواهد زد!

مسئله اول:

در صورتی که یک اصل کلی وجود دارد تحت عنوان صلاحیت سرزمینی پس چگونه ممکن است که یک دیپلمات و یا کنسولگر بتواند از این اصل مستثنی شود؟

در پاسخ باید گفت همانطور که در متن اصلی این مقاله آمده است بشر از زمان های کهن به دنبال ایجاد رابطه با همدیگر بوده اند تا بتوانند چیزهایی را که بدان احتیاج دارند رفع نمایند. پس از آنکه دولتها به وجود آمدند افراد در هر دولت نیز به دنبال راه حل و چاره ای برای تبادل اطلاعات و ایجاد روابط در زمینه های مختلف با همدیگر بوده اند. لذا تصمیم گرفتند سفارت خانه ها و کنسول گری ها را تشکیل و با ارسال نمایندگانی از طرف خود روابط سیاسی و غیر سیاسی خود را با دولت های محل استقرار سفارتخانه و کنسول گری گسترش دهند. بنابراین دولتها در کنار همدیگر گرد هم آمدند و توافقاتی را در این خصوص از خود به جای گذاشتند که چنین توافقاتی در سال ۱۹۶۱ در وین منجر به انعقاد عهدنامه ۱۹۶۱ وین در رابطه با روابط سیاسی بین دولتها و در سال ۱۹۶۳ در وین سبب ایجاد عهدنامه ۱۹۶۳ در رابطه با روابط کنسولی بین دولت ها گردید. از طرف دیگر چون کشورهای بسیاری از جمله کشور ایران عهدنامه های فوق الذکر را قبول کردند و تعداد زیادی از دولتها به این عهدنامه ها ملحق می شدند سبب شد که این عهدنامه ها حکم قانون بین المللی را به خود بگیرند و تمام کشورهایی هم که بدان ملحق شده موظف بودند که مقررات آن را رعایت نمایند در غیر این صورت با ضمانت اجرای آنها مواجهه می شدند. یکی از اقداماتی که دولتها باید انجام بدهند مصونیت تعقیب کیفری ماموران دیپلماتیک و کنسولی می باشد. بنابراین اگر جرمی توسط این افراد صورت پذیرد امکان تعقیب کیفری آنها وجود ندارد و تنها دولتها می توانند آنها را به عنوان عنصر نامطلوب از کشور خود اخراج کنند.

اما این به این معنا نمی باشد که فرد مجرم تحت تعقیب قرار نگیرد. بلکه چنین مجرمی توسط دولت فرستنده باید مورد تعقیب و محاکمه قرار گیرد. چنین موضوعی در خصوص دولت ایران مستثنی نیست و اگر جرمی در سفارتخانه رخ بدهد و بزه دیده تابع کشور ایران باشد دلایل و مدارک جرم از طریق اداره حقوقی دادگستری به وزارت امور خارجه ارسال می گردد تا به کشور متبوع اعلام شود و کشور متبوع هم فرد متهم را تحت تعقیب قرار دهد.^۱ بنابراین باید پذیرفت که صلاحیت سرزمینی همان طور که توسط صلاحیت هایی همچون صلاحیت شخصی و واقعی گسترش می یابد توسط مصونیت ها و مواردی از این قبیل محدود می گردد.

۱. نظریه مشورتی شماره ۴۵۷۶ تاریخ ۱۳۶۶/۰۷/۱۸ اداره حقوقی قوه قضاییه.

مسئله دوم:

آیا سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها جزئی از خاک کشور فرستنده محسوب می‌شوند یا جزء خاک کشور پذیرنده؟ در پاسخ به مسئله مطرح شده باید گفت: اولاً همان طور که در نظریه‌های مبنای مصونیت و عهدنامه‌های ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ وین آمده سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها جزئی از خاک کشور فرستنده محسوب نمی‌شوند و متعلق به کشور میزبان می‌باشند.

ثانیاً به خاطر اینکه سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها در خاک کشور دیگری قرار دارند اگر قرار بر این باشد که جزئی از خاک کشور فرستنده باشند نیاز به تصریح قانونگذار دارد درحالی که چنین موضوعی در هیچ عهدنامه‌ای ذکر نگردیده است. به عنوان مثال یک اصل کلی حقوق بین المللی وجود دارد مبنی براینکه کشتی‌هایی که پرچم یک کشور را حمل می‌کنند جزء خاک آن کشور محسوب می‌شوند و در صورت وقوع جرم در این کشتی‌ها، کشور صاحب پرچم صلاحیت رسیدگی را دارد اما چنین اصلی در خصوص اینکه سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها جزء خاک کشور فرستنده باشند وجود ندارد.

ثالثاً یکی از مصونیت‌های پیش‌بینی شده برای ماموران سیاسی و کنسولی مصونیت ارتباطات رسمی ماموریت می‌باشد اما در قسمتی از همین مصونیت آمده است نصب دستگاه‌های فرستنده رادیویی و استفاده از آنها منوط به اجازه کشور پذیرنده است. بنابراین باید گفت اگر قرار بر این باشد که سفارتخانه‌ها یا کنسولگری‌ها جزئی از خاک کشور فرستنده باشند پس چه نیازی به موافقت دولت پذیرنده برای نصب دستگاه‌های فرستنده رادیویی و استفاده از آنها می‌باشد که همین موضوع نشان می‌دهد سفارت خانه‌ها و کنسولگری‌ها جزء خاک کشور میزبان می‌باشند.

رابعاً یکی از موضوعات رایج حقوق بین الملل مسئله پناهندگی می‌باشد. اگر شخصی در کشور ایران مرتکب جرمی گردد و به کشور دیگری پناهنده شود در چنین حالتی امکان ورود افراد ایرانی به کشوری که فرد مجرم پناهنده شده است برای دستگیری وی وجود ندارد و تنها می‌توان از کشوری که مجرم به آن پناه برده است تقاضای استرداد مجرم را نماید. اما چنین مسئله‌ای در خصوص سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها مطرح نیست و اگر مجرمی به سفارت خانه یا کنسولگری پناهنده شود ماموران کشور ایران می‌توانند با اجازه رئیس سفارتخانه یا کنسولگری وارد آن شوند و مجرم را دستگیر کنند. و دیگر نیازی به تقاضای استرداد مجرم نیست.

نتیجه‌گیری

نتایجی که از مقاله حاضر به دست می‌آید به شرح ذیل می‌باشند:

۱. همان طور که صلاحیت سرزمینی محدوده ارتکاب جرائم در قلمرو یک کشور را مشخص و دادگاه صالح برای رسیدگی را معین می‌کند از طرف دیگر توافقاتی بین المللی وجود دارند که این صلاحیت را دستخوش تغییراتی قرار داده و امکان اعمال صلاحیت سرزمینی را ممکن نمی‌داند.

۲. همان طور که در مباحث اصلی آمده است مصونیت کیفری ماموران دیپلماتیک نسبت به ماموران کنسولی دامنه وسیعتری را در بر می گیرد. به عبارت دیگر ماموران دیپلماتیک تحت هر شرایطی امکان تعقیب کیفری آنها وجود ندارد و تنها می توان آنها را به عنوان عنصر نامطلوب از کشور خارج کرد. در حالی که ماموران کنسولی در برخی جرایم همانند حالتی که جرم به صورت مشهود صورت می گیرد امکان تعقیب آنها توسط دادگاه محل کنسولگری وجود دارد.

۳. ماموران سیاسی و کنسولی اگر چه در دولت پذیرنده از مصونیت برخوردار هستند. امکان تحت تعقیب قرار گرفتن آنها توسط دولت فرستنده وجود دارد و دولت فرستنده ملزم است آنها را مورد تعقیب قرار دهد.

۴. سفارتخانهها و کنسولگریها جزئی از خاک کشور فرستنده محسوب نمی شوند. به عبارت دیگر در مورد بحث جرایم ارتكابی در سفارتخانهها و کنسولگریها باید گفت که امروزه اعتقاد بر این است که سفارتخانهها و کنسولگریها جزئی از خاک کشور میزبان است و رسیدگی به جرایم ارتكابی در سفارتخانهها و کنسولگری هادر صلاحیت انحصاری کشور میزبان است و مصونیت اماکن و ماموران سیاسی و کنسولی ناشی از قرارداد های بین المللی می باشد.^۱

۱. شمس ناتری، محمد ابراهیم و دیگران، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، جلد اول، زمستان ۱۳۹۲، صص ۳۷-۳۸.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- شمس ناتری، محمد ابراهیم و دیگران، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، جلد اول، زمستان ۱۳۹۲.
- ۲- ضیایی بیگدلی، دکتر محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، چاپ بیست و چهارم، انتشارات گنج دانش، سال ۱۳۸۵.
- ۳- پور بافرانی، حسن، ماهیت و انواع صلاحیت در حقوق جزای بین الملل، مجله مجتمع آموزشی عالی قم، شماره ۱۲.
- ۴- اکهرست، مایکل، حقوق بین الملل نوین، ترجمه آقایی، بهمن.
- ۵- میرزایی ینگجه، سعید: ایران و صلاحیت اجباری دیوان بین المللی دادگستری، چاپ اول، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۵.
- ۶- اسداللهی، مسعود: احیای کاپیتولاسیون و پیامدهای آن، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- ساجدی، احمد: سازمانهای جاسوسی دنیا، چاپ ششم، محراب قلم، ۱۳۶۶.
- ۷- معتمد، محمد علی، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۸- سهرابی، دکتر محمد، حقوق بین الملل عمومی، سال ۱۳۸۳.
- ۹- مقتدر، هوشنگ، حقوق بین الملل عمومی، سال ۱۳۷۲.
- ۱۰- نظریه مشورتی شماره ۴۵۷۶ تاریخ ۱۳۶۶/۰۷/۱۸ اداره حقوقی قوه قضاییه.
- ۱۱- عهدنامه های ۱۹۶۱ در خصوص روابط سیاسی و ۱۹۶۳ وین در خصوص روابط کنسولگری.

